



Research Article

Transition from Classical Developmental State to Smart Developmental State (Case Study: Hong Kong)

Saeed Safi Ardahai^{1*}, Rajab Izadi²

1. PhD Candidate in Political Science - Public Policy, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran
2. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Article history:

Received: 20/07/2025

Accepted: 14/09/2025

Abstract

Introduction

The passage of time has created theoretical and empirical challenges for the developmental State. As the classical model of the second half of the twentieth century was unable to continue explaining development in the digital and technological era, this concept must adapt itself to the requirements of the digital and technological era. This is where the new model of the developmental State, namely the smart developmental State formulated by J. J. Woo, comes into play

Method

The present study attempts to examine the why and how of the theoretical and empirical transformation in the developmental State using an analytical method and qualitative data obtained through library research.

Please cite this article as:

Safi Ardahai, S., Izadi, R. (2026). Transition from Classical Developmental State to Smart Developmental State (Case Study: Hong Kong). *Journal of Asian Regional Orders Studies*, 3(2), 105-148. doi.org/10.22099/IJAS.2025.53734.1042

* Corresponding author: E-mail address: saeedsafi@ut.ac.ir



Copyright: C 2026 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

Findings

The developmental state was born of the East Asian miracle in the 1970s to 1990s, and theoretical studies often focused on the strengths of this model, but this classic model also suffered theoretical turmoil in the face of practical crises. That is, the effects of objective and real experience on the theory of two epistemological crises have beset the classical model of the developmental state: 1- The emergence of the non-Asian developmental state; 2- Theoretical weaknesses and limitations. Financial crises such as the East Asian crisis of 1997 and the global crisis of 2008, the digitalization of the economy, neoliberal globalization, and the like challenged the strength of interventionism and the ability to solve the crisis by the classical model of the developmental state, and it became clear that these governments were not able to solve the East Asian crisis as was thought.

The findings of the present study show that developmental elites, governance organization, relative independence of the government, weak civil society, management of private sector interests, and functional legitimacy are elements of the classical model that are combined with digitalism and technology in the smart model. The classical developmental State has undergone transformation in the face of theoretical and empirical challenges as well as digitalism and technology, and has distanced itself from the classical model and adapted itself to digitalism and technology. The Hong Kong government, as an example that almost has the elements and characteristics of the classical developmental government, has transitioned towards the J. J. Woo's smart developmental State model by implementing smart city projects and digitalizing the economy and financial markets, and the effects that these policies have had on the government and society. In the face of the 1997 Asian financial crisis and the 2008 global crisis, as well as economic digitalization and the new generation of technologies in the 21st century, the classical developmental State of Hong Kong, with the guidance and role of the executive government, was able to adopt and implement the grand smart city plan, which has led to changes in the characteristics of the classical model.

Conclusion

In the face of theoretical challenges and practical crises arising from liberalization, digitalism, and technology, the developmental state underwent changes and developments and transitioned to a smart developmental state. J. J. Woo attributes the features of such a state to the features of Leftwich's developmental state, which have taken on the color and flavor of technology and digitalism. The smart developmental state is not a completely separate version of the classical model. Rather, it is an updated version of it. Hong

Kong's classical developmental state, faced with the 1997 Asian financial crisis and the 2008 global crisis, as well as economic digitalism and the new generation of technologies in the 21st century, was able to adopt and implement the grand plan of the smart city with the guidance and role of the executive government, which has caused changes in the features of the classical model. Elements of the smart developmental state in Hong Kong, which we see maintaining the features considered by Leftwich with intelligent and technological elements.

Keywords: Hong Kong, developmental State, Smartization, smart city, smart developmental State.



گذار از دولت توسعه‌گرای کلاسیک به دولت توسعه‌گرای هوشمند؛ مطالعه موردی هنگ کنگ

سعید صافی اردهایی^۱، رجب ایزدی^۲

۱. دانشجوی دکترای علوم سیاسی - سیاستگذاری عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۹

اطلاعات مقاله

چکیده

دولت توسعه‌گرا که زاده تحولات قرن بیستم بوده در مواجهه با بحران مالی و دیجیتالیسم قرن بیست و یکم دچار تغییر و تحولات نظری شده است. مقاله حاضر می‌کوشد به بررسی چرایی و چگونگی تحول نظری در دولت توسعه‌گرا و با تجربه عملی هنگ کنگ پردازد. سؤال اصلی این مقاله عبارت است از اینکه گذار دولت توسعه‌گرا از مدل کلاسیک به مدل هوشمند از منظر نظری و نیز در تجربه عملی هنگ‌کنگ چرا و چگونه رخ داده است؟ برای پاسخ به این سؤال، از داده‌های کمی و کیفی به‌دست‌آمده از کتابخانه و روش تحلیل مضمون استفاده می‌شود. مدل دولت توسعه‌گرای لفت‌ویچ و دولت توسعه‌گرای هوشمند جی‌جی‌وو چارچوب نظری و هنگ‌کنگ مورد مطالعاتی مقاله حاضر را تشکیل می‌دهند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که نخبگان توسعه‌گرا، سازمان راهبری، استقلال نسبی دولت، جامعه مدنی ضعیف، مدیریت منافع بخش خصوصی و مشروعیت عملکردی عناصر مدل کلاسیک

استناد به این مقاله:

صافی اردهایی، سعید و ایزدی رجب (۱۴۰۵). گذار از دولت توسعه‌گرای کلاسیک به دولت توسعه‌گرای هوشمند؛ مطالعه موردی هنگ‌کنگ. پژوهشنامه نظم‌های منطقه‌ای آسیا، ۳(۲)، ۱۴۸-۱۰۵.

* نویسنده مسئول:

E-mail address: saeedsafi@ut.ac.ir



Copyright: C 2026 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

هستند که در مدل هوشمند با دیجیتال‌یسم و فناوری ترکیب شده است. دولت توسعه‌گرای کلاسیک در مواجهه با چالش‌های نظری و تجربی و نیز مواجهه با دیجیتال‌یسم و فناوری دچار تحول شده و از مدل کلاسیک فاصله گرفته و خود را با دیجیتال‌یسم و فناوری تطبیق داده است. دولت هنگ‌کنگ به‌عنوان نمونه‌ای که تقریباً دارای عناصر و ویژگی‌های دولت توسعه‌گرای کلاسیک است با اجرای طرح‌های هوشمندسازی شهر و دیجیتالی‌کردن اقتصاد و بازارهای مالی و آثاری که این سیاست‌ها بر دولت و جامعه گذاشته‌اند به سمت مدل دولت توسعه‌گرای هوشمند جی‌جی‌وو گذار کرده است.

واژگان کلیدی: هنگ‌کنگ، دولت توسعه‌گرا، هوشمندسازی، شهر هوشمند، دولت توسعه‌گرای هوشمند.

سرآغاز

معجزه اقتصادی شرق آسیا در نیمه دوم قرن بیستم و مدل متفاوت توسعه این کشورها با مدل‌های رایج غربی و نقش پررنگ دولت در توسعه این کشورها باعث صورت‌بندی نظریه دولت توسعه‌گرا شد. دولت توسعه‌گرا دولتی است که با استفاده از قدرت، استقلال از طبقات و گروه‌ها و اقشار اجتماعی و توانایی نهادی و دیوان‌سالارانه کشور را به توسعه اقتصادی رهنمون کند، ظرفیت نهادی برای تعقیب اهداف توسعه‌ای را در خود داشته و دارای ارتباط ریشه‌دار با بخش خصوصی است که مهم‌ترین نقش را در توسعه کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا داشته است. اوج مطالعات نظری راجع به این‌گونه خاص از دولت‌ها به دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی بازمی‌گردد و اما گذر زمان باعث ایجاد چالش‌های نظری و تجربی برای دولت توسعه‌گرا شد؛ به‌طوری که مدل کلاسیک نیمه دوم قرن بیستمی قادر به ادامه تبیین توسعه در عصر دیجیتال و فناوری نبوده و این مفهوم باید خود را با الزام‌های عصر دیجیتال و فناوری انطباق دهد. اینجاست که پای مدل جدید دولت توسعه‌گرا یعنی دولت توسعه‌گرای هوشمند که توسط جی‌جی‌وو^۱ صورت‌بندی شده است به میان می‌آید.

مقاله حاضر به دنبال بررسی چگونگی گذار دولت از مدل کلاسیک به مدل هوشمند است و در این راستا هنگ‌کنگ به عنوان مطالعه موردی لحاظ شده است، زیرا یکی از کشورهایی که توانست در نیمه دوم قرن بیستم با نقش‌آفرینی دولت اجرایی، خود را در زمره توسعه‌یافته‌ترین کشورهای شرق آسیا مطرح کند منطقه هنگ‌کنگ بوده و در عصر حاضر نیز پیشگام دیجیتالی‌شدن و هوشمندسازی شهر و دولت بوده است. پس، سؤال اصلی این مقاله عبارت است از اینکه گذار دولت توسعه‌گرا از مدل کلاسیک به مدل هوشمند از منظر نظری و نیز در تجربه عملی هنگ‌کنگ چرا و چگونه رخ داده است؟

برای پاسخ به این سؤال که هم‌زمان دربردارنده چرایی و چگونگی گذار است با استفاده از داده‌های کمی و کیفی به‌دست‌آمده از روش کتابخانه‌ای که به روش تحلیل مضمون، تحلیل شده‌اند ابتدا ادبیات نظری دولت توسعه‌گرا را بیان کرده و متغیرهایی که لغت‌ویچ^۱ برای چنین دولتی برشمرده تشریح خواهد شد تا مهم‌ترین عناصر و مؤلفه‌های مدل کلاسیک دولت توسعه‌گرا مشخص شود. سپس وضعیت هنگ‌کنگ با مدل کلاسیک مورد سنجش قرار گرفته تا مشخص شود هنگ‌کنگ تا چه میزان دارای ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مدل کلاسیک دولت توسعه‌گرا بوده است. در گام بعدی به چالش‌های نظری و عملی پیش‌آمده برای مدل کلاسیک پرداخته می‌شود تا پاسخی باشد برای چرایی لزوم گذار از مدل کلاسیک و انطباق با شرایط جدید. سپس ادبیات نظری دولت توسعه‌گرای هوشمند و ویژگی‌هایی که جی‌جی‌وو برای چنین دولتی برشمرده بیان خواهد شد تا روشن شود تا مدل جدید دولت توسعه‌گرا تا چه میزان خلاهای تئوریک مدل کلاسیک را پر کرده و مفهوم دولت توسعه‌گرا را با شرایط عصر دیجیتال و فناوری سازگار کرده است. در گام پایانی نیز به بررسی این گذار در عرصه تجربی و در مطالعه موردی یعنی هنگ‌کنگ پرداخته و حرکت هنگ‌کنگ به سمت شهر هوشمند و دولت توسعه‌گرای هوشمند را بررسی خواهد شد. سپس به سنجش وضعیت هنگ‌کنگ با متغیرهای مدنظر جی‌جی‌وو توجه می‌شود تا بدانیم هنگ‌کنگ دارای چه عیار از دولت توسعه‌گرایی هوشمند است.

۱. دولت توسعه‌گرای کلاسیک

اولین کسی که اصطلاح دولت توسعه‌گرا را به کار برد چالمرز جانسون^۲ بود. او با مطالعه تجربه توسعه‌زاپن و شرق و جنوب شرق آسیا و تفاوت این تجربه با نسخه‌های

1. Leftwich

2. Chalmers Johnson

متداول غربی، نظریه دولت توسعه‌گرا را صورت‌بندی کرد و از دل تجربه توسعه ژاپن، کره، تایوان و سنگاپور واژه انتزاعی دولت توسعه‌گرا بیرون آمد (لفت‌ویچ، ۱۴۰۰: ۲۴۳) در حقیقت واژه دولت توسعه‌گرا به‌عنوان یک واژه انتزاعی از دل تجربه توسعه ژاپن و سپس برخی کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا وارد ادبیات توسعه شد. تجربه رشد اقتصادی کشورهایی چون کره جنوبی، تایوان، سنگاپور، چین، هنگ‌کنگ و مالزی و افزایش سطح رفاه و استانداردهای زندگی مردم این کشورها باعث شد تا پدیده‌ای رخ دهد که از آن تحت عنوان معجزه اقتصادی یاد می‌شود. علی‌رغم تفاوت‌های موجود میان این کشورها، بیشتر نظریه‌پردازان عامل موفقیت این کشورها را در عرصه سیاسی و نهادهای آن‌ها جستجو می‌کردند و نظریه دولت توسعه‌گرا با عطف به عرصه سیاست و «پیوند اقتصاد و سیاست» و موضوع «دولت» به‌عنوان کانون توسعه، صورت‌بندی شد (لفت‌ویچ، ۱۴۰۰: ۲۴۹).

برای دولت توسعه‌گرا دو بُعد ایدئولوژیک و ساختاری قائل شده‌اند. از لحاظ ایدئولوژیک چنین دولتی اساساً توسعه‌گراست و وظیفه اصلی یا رسالت اصلی خودش را رهنمون کردن کشور به سمت توسعه می‌داند. هایامی (۱۳۹۴: ۲۷۰) توسعه‌گرایی را نوعی ایدئولوژی می‌داند که هم موجب ارزش‌آفرینی مادی و هم موجب حصول اعتبار و امنیت ملی می‌شود. دولت‌های توسعه‌گرا عموماً از نوع سرمایه‌داری بوده و مقصد این دولت‌ها لیبرالیسم اقتصادی است (لفت‌ویچ، ۱۴۰۰: ۲۴۹) و تفاوت مداخله دولت سوسیالیستی با مداخلات دولت توسعه‌گرا در این است که مداخله‌گرایی دولت توسعه‌گرا به قدرت و توانایی دولت در هدایت اقتصادی به سمت سرمایه‌داری منوط است و این مداخلات به مقصد سرمایه‌داری اعمال می‌شود، هرچند در مراحل اولیه با اصول بازاری ظاهراً تطابق نداشته باشند (Wade, 1990: 25). در جنبه ساختاری نیز بر توانایی دولت برای اجرای هوشمندانه و مؤثر سیاست‌های اقتصادی تأکید شده است. این توانایی‌ها شامل توانایی‌های گوناگون نهادی، فنی، اداری و سیاسی می‌شود. اگر

دولتی هر دو ویژگی‌های ایدئولوژی توسعه‌گرایانه و ساختار توانمند و چابک را داشته باشد، چنین دولتی را اصطلاحاً دولت قوی می‌نامند.

با این تفاسیر، مهم‌ترین ویژگی‌های دولت توسعه‌گرا از منظر لفت‌ویچ که در حقیقت ویژگی‌های یک دولت توسعه‌گرای کلاسیک است، عبارت است از:

- **نخبگان توسعه‌گرا:** نخبگان توسعه‌گرا گروهی کوچک از سیاستمداران و مقام‌های دولتی ارشد هستند که در ایجاد نظام توسعه و فرهنگ آن نقش‌آفرینی می‌کنند. از نظر چالمرز جانسون (۱۹۸۲) دولت‌های توسعه‌گرا بیش و پیش از همه بر حسب اولویت‌های نخبگان‌شان تعریف می‌شوند؛ یعنی تعهد خلل‌ناپذیر نخبگان سیاست‌گذار به هدف اصلی که همانا توسعه اقتصادی است، هسته اصلی دولت توسعه‌گرای مدنظر جانسون است (Johnson, 1982: 305-6).

- **استقلال نسبی دولت:** استقلال نسبی نخبگان و نهادهای دولتی، دیگر ویژگی دولت‌های توسعه‌گرا است. دولت توسعه‌گرا، استقلال دارد یعنی اینکه این دولت می‌تواند در برابر خواسته‌های گروه‌ها و طبقات گوناگون، آزادی عمل نسبی داشته باشد. این به معنی انفصال دولت از جامعه نبوده، زیرا دولت توسعه‌گرا از میان همه طبقات اجتماعی دارای روابط ویژه با طبقه سرمایه‌دار است و با شراکت راهبردی با این طبقه است که امر توسعه را جلو می‌برد (Chang, 2002: 195) هرچند در رابطه با این طبقه نیز دست بالا را دارد.

- **قدرت دیوان‌سالارانه و سازمان راهبری مرکزی:** قدرت، کارآمدی و استقلال دیوان‌سالاری یکی از ملزومات توسعه اقتصادی است و در تمامی دولت‌های توسعه‌گرا نهادهایی به‌عنوان طراح و مجری سیاست‌های اقتصادی، امر توسعه را به پیش می‌برند و همچنین این نهادها دارای قدرت واقعی، اقتدار فنی و استقلال نسبی در شکل‌دهی به اجرای سیاست‌های توسعه هستند. این دیوانسالاری برکنار از فشار گروه‌های اجتماعی، به امر سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌ها می‌پردازند. در این‌گونه دیوانسالاری‌ها، این

ضابطه و قانونمندی است که بر رابطه و رانت غلبه دارد (لفت‌ویچ، ۱۴۰۰: ۲۵۸-۲۵۶). بوروکراسی اقتصادی وظیفه شکل دادن و هدایت توسعه اقتصادی را بر عهده داشته و به‌عنوان مراکز اصلی جهت‌گیری راهبردی اقتصادی در دولت‌های توسعه‌گرا عمل می‌کنند و نوعی ستاد کل اقتصادی هستند (Wade, 1990: 96). میتی^۱ ژاپن یا هیئت توسعه اقتصادی سنگاپور^۲ نمونه‌هایی از بوروکراسی اقتصادی هستند.

- **جامعه مدنی ضعیف و کنترل‌شده:** جامعه مدنی مجموعه‌ای از نهادها، انجمن‌ها و تشکلهای اجتماعی مستقل از دولت و قدرت سیاسی است که در صورت‌بندی قدرت سیاسی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. در دولت‌های توسعه‌گرا (در کشورهای درحال توسعه) جامعه مدنی یا بدواً قدرت چندانی نداشته و ضعیف بوده (که در بیشتر موارد این‌طور بوده است) و یا دولت توسعه‌گرا در این جوامع توانسته است برکنار از فشارها و مطالبات حقوق بشری، لیبرالی و دموکراتیک جامعه مدنی، آن را مهار و بدون مزاحمت‌های احتمالی جامعه مدنی، فرایند توسعه را در مراحل اولیه با اقتدار به پیش ببرد (لفت‌ویچ، ۱۴۰۰: ۲۸۵).

- **مدیریت منافع بخش خصوصی:** دولت توسعه‌گرا با استفاده از نفوذ سیاسی نخبگان توسعه‌گرا و ارتباط داخلی بوروکراسی اقتصادی با نخبگان بخش خصوصی و البته رعایت اصل استقلال نسبی، منافع اقتصادی غیردولتی را به‌طور مؤثر مدیریت و توانایی بخش خصوصی را به سمت اهداف ملی سوق می‌دهد.

- **مشروعیت عملکردی:** دولت‌های توسعه‌گرا با اطمینان از توزیع مناسب مزایای حاصل از نرخ رشد بالایی که حصول کرده‌اند قادر به حفظ حاکمیت و مشروعیت خود هستند و این یعنی جایگزینی مشروعیت دموکراتیک با عملکردی.

1. Ministry of International Trade and Industry (MITI)

2. Singapore's Economic Development Board

۲. اجرای دولت توسعه گرای کلاسیک در هنگ کنگ

در این بخش ابتدا وضعیت کلی توسعه در هنگ کنگ را بیان و سپس به اجرای دولت هنگ کنگ و تطبیق آن با متغیرهای دولت توسعه گرای کلاسیک لفت و بیچ خواهیم پرداخت تا بدانیم دولت اجرایی هنگ کنگ تا چه میزان دارای عناصر و مؤلفه های دولت توسعه گراست.

بیان شد که ادبیات نظری دولت توسعه گرا از دل معجزه اقتصادی شرق آسیا بیرون آمد و یکی از نمونه های عالی این معجزه، منطقه هنگ کنگ است. هنگ کنگ با عنوان رسمی منطقه اداری ویژه هنگ کنگ^۱ متشکل از جزایر لانتائو، هنگ کنگ و قریب به ۲۰۰ جزیره بسیار کوچک با مساحت ۱۱۱۵ کیلومترمربع و جمعیت ۷.۴ میلیون نفری یکی از متراکم ترین نقاط جهان است. این منطقه از شمال به استان گوانگ دونگ^۲ چین و از سایر جهات به دریای چین محدود است. هنگ کنگ دارای آب و هوای استوایی و باران های شدید موسمی، تابستان های شرجی و مرطوب و به طور کلی ویژگی های عمومی آب و هوای استوایی جنوب شرق آسیاست. واحد پول منطقه دلار هنگ کنگ است که هر یک دلار آمریکا تقریباً معادل ۷.۷۵ دلار هنگ کنگ است. کمبود شدید زمین در هنگ کنگ باعث اوج گیری ساخت و ساز برج های مرتفع شده به طوری که شهر هنگ کنگ پر از آسمان خراش هاست و در این زمینه یکی از بالاترین نرخ های برج سازی در جهان را داراست. بیش از ۹۰ درصد جمعیت منطقه را چینی ها و باقی از کشورهای دیگر به ویژه جنوب شرق آسیا و بریتانیا هستند. ۹۰ درصد جمعیت منطقه را بودائی ها و ۱۰ درصد نیز شامل هندوئیسم، تائوئیسم، مسیحیت، اسلام و... است. زبان رسمی مردم هنگ کنگ، کانتونی هنگ کنگی^۳ (چینی ساده شده یا چینی سنتی شاخه ای از زبان چینی اما متفاوت با

1. Special Administrative Region (SAR)

2. Guangdong Province

3. Hong Kong Cantonese

شاخه ماندارین رایج در سرزمین اصلی) است اما انگلیسی زبان رایج و اول در ادارات دولتی، شرکت‌ها، دانشگاه‌ها، سیستم قضایی و کسب‌وکار و تجارت است.

اینکه یک منطقه کوچک پر از تپه‌ماهور، فاقد منابع طبیعی و زمین برای کشاورزی تبدیل به یکی از چهار ببر آسیا و یکی از مهم‌ترین مراکز مالی-دریایی جهان با بالاترین شاخصه‌ای آزادی^۱ و امنیت اقتصادی و جریان سرمایه شده است، اتفاقی نیست و نگاه پژوهشگران توسعه و اقتصاد سیاسی را به خود جلب کرده است. نکته شایان توجه تداوم این روند است. روند توسعه هنگ‌کنگ همچنان رو به جلوست. هنگ‌کنگ توانسته خود را به یکی از رقابتی‌ترین اقتصادهای جهان و سومین مرکز مالی مهم دنیا پس از نیویورک و لندن تبدیل کند. هنگ‌کنگ در رتبه‌بندی‌های رقابت‌پذیری جهانی مانند گزارش سالانه رقابت جهانی (IMD) یا فهرست رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد^۲ (۲۰۱۷) همیشه حائز رتبه تک‌رقمی بوده است. علاوه بر این، بانک جهانی هنگ‌کنگ را در رتبه چهارم جهانی از نظر سهولت کسب‌وکار قرار داده و تولید ناخالص داخلی هنگ‌کنگ در سال ۲۰۲۴ به میزان ۴۰۷ میلیارد دلار رسیده است (بانک جهانی، ۲۰۱۷ و ۲۰۲۴). برای ایضاح مطلب جدول تولید ناخالص داخلی هنگ‌کنگ طی دهه‌های گذشته در جدول شماره ۱ آمده است.

تولید ناخالص داخلی، اندازه اقتصاد کشور را نشان می‌دهد و همان‌طور که ملاحظه می‌شود اقتصاد هنگ‌کنگ طی دهه ۱۹۷۰ حدود ۷ برابر، دهه ۱۹۸۰ حدود ۲.۵ برابر^۳ و از زمان بازگشت به چین تاکنون نیز ۲.۳ برابر شده است که ارقام بسیار بالایی محسوب می‌شود. بزرگی این ارقام وقتی فهمیده می‌شود که بدانیم تولید ناخالص داخلی کشورهای وسیع‌تر و پرجمعیت‌تری مانند پاکستان و فیلیپین در سال ۲۰۲۴ به ترتیب

1. World Press Freedom Index

2. World Economic Forum Competitiveness Index

۳. به دلیل همین رشدهای خیره‌کننده بود که هنگ‌کنگ یکی از ۴ اقتصاد شتابان منطقه یا ببر آسیا طبقه‌بندی شد.

جدول ۱: تولید ناخالص داخلی هنگ کنگ

سال	تولید ناخالص داخلی
۱۹۷۰	۳۸ میلیارد دلار
۱۹۸۰	۲۸۸۶ میلیارد دلار
۱۹۹۰	۷۶۹۳ میلیارد دلار
۱۹۹۷	۱۷۷۴ میلیارد دلار
۲۰۱۰	۲۲۸۶ میلیارد دلار
۲۰۲۴	۴۰۷ میلیارد دلار

منبع: countryeconomy, 2024

۳۴۶ و ۴۶۱ میلیارد دلار و تولید ناخالص داخلی کشورهای کم‌جمعیت و کم‌وسعت و اصطلاحاً هم سایز هنگ‌کنگ مانند قطر و کویت در سال ۲۰۲۴ به ترتیب ۲۱۶ و ۱۵۹ میلیارد دلار بوده و کشورهای فوق دارای منابع فراوان نفتی و گازی هستند و این در حالی است که هنگ‌کنگ فاقد منابع طبیعی است. در حقیقت یکی از کشورهای منطقه شرق آسیا که توانسته با استفاده از نقش کلیدی دولت یک گذار توسعه‌ای را تجربه و از منطقه‌ای کوچک به یکی از مراکز مهم مالی-ترانزیتی جهان که سالانه پذیرای میلیاردها دلار سرمایه خارجی است تبدیل شود، هنگ‌کنگ است. این منطقه با نقش‌آفرینی ویژه دولت اجرایی خود توانست چنین جهش توسعه‌ای را تجربه کند. شناخت شاخص‌های این دولت اجرایی می‌تواند به درک بهتر هنگ‌کنگ به عنوان یک دولت توسعه‌گرا کمک کند.

۲-۱. نخبگان توسعه‌گرا

از ۱۹۹۷ هنگ‌کنگ تحت حاکمیت چین بوده و طبق اصل یک کشور-دو سیستم اداره می‌شود و مقصود ما از دولت هنگ‌کنگ سیستم اجرایی حاکم بر هنگ‌کنگ است که دارای استقلال زیادی از دولت مرکزی چین به جز در امور دفاعی و سیاست خارجی

است. در رأس این سیستم، رئیس اجرایی^۱ قرار دارد که توسط گروه تقریباً ۱۲۰۰ نفره^۲ منتخبان الیت تجاری، مالی، متخصصان، الیت اصناف، رهبران کارگری، نخبگان جامعه مدنی و سیاستمداران انتخاب می‌شود (Economist, 2017). در هنگ کنگ نخبه‌گرایی از رأس شروع و البته در سطوح پایین‌تر نیز تکرار می‌شود. به تعبیر مک کرسی: «هنگ کنگ توسط صاحب‌منصبان تحت کنترل یک دبیرخانه تعیین‌شده کوچک به رهبری یک مدیر اجرایی اداره می‌شود (MacCarthaigh, et al, 2016:498). هیچ‌کدام از این صاحب‌منصبان نه توسط انتخابات مردمی بلکه توسط سازوکارهای مشخص درون سیستم بوروکراتیک برگزیده می‌شوند. این یکپارچگی مقام‌های دولتی و ادارات اجرایی سیاسی و سطح بالای انزوا یعنی جدا بودگی و مستقل بودن از اجتماع باعث شکل‌گیری نخبه حاکمیتی در این کشور شده و این گروه منتخب و منحصر به فرد قوانین کلی، سیاست اقتصادی و راهبردهای توسعه‌ای را هدایت و تعیین می‌کند. البته فعالان یا نخبگان بخش خصوصی نیز از چندین طریق می‌توانند به جمع نخبگان توسعه‌گرایی هیئت اجرایی هنگ کنگ بپیوندند که دو طریق مشهور آن عبارت است از: ۱. شورای قانون‌گذاری^۳: اعضای این شورا نمایندگان حوزه‌های انتخابی کارکردی^۴ و حوزه‌های انتخابی جغرافیایی^۵ هستند. نخبگان تجاری-صنعتی به‌عنوان برجستگان اصناف تجاری و صنعتی می‌توانند در شورای قانون‌گذاری تأثیرگذار باشند. نقش این شورا در تصویب لوایح و اصلاحات دولتی تعیین‌کننده است؛ ۲. عضویت در کمیته انتخاب رئیس اجرایی: نخبگان صنعتی-تجاری بخش مهمی از آن کمیته حدوداً ۱۲۰۰ نفره انتخاب رئیس اجرایی هستند و می‌توانند از این طریق نقش‌آفرینی کنند (Wong, 2017:46).

1. Chief Executive of Hong Kong

۲. در آخرین انتخابات برگزار شده در اردیبهشت ۱۴۰۱ یا می ۲۰۲۲ تعداد این هیئت به ۱۵۰۰ نفر افزایش یافت که جان لی کاجیو (John Lee Ka-chiu) ۱۴۱۶ رأی مثبت به دست آورد.

3. Legislative Council

4. Selected functional areas

5. Selected geographical areas

توسعه اقتصادی هنگ‌کنگ توسط یک گروه نخبه توسعه‌خواه غالباً دارای خاستگاه سیاسی و بوروکراتیک و نیز تأثیرگذاری مستقیم و مهم الیت تجاری-صنعتی-مالی و اصناف گوناگون راهبری می‌شود که یکی از نمونه‌های عالی نخبه‌گرایی در سطوح گوناگون را به نمایش گذاشته است.

۲-۲. سازمان راهبری^۱

گفتیم که در دولت‌های توسعه‌گرا توسعه توسط یک سازمان راهبری هدایت می‌شود که وظیفه آن نظارت اقتصادی و ترویج بازار است. در هنگ‌کنگ اداره بازرگانی و توسعه اقتصادی^۲ به‌عنوان سازمان راهبری با پنج هدف زیر امر توسعه را به پیش می‌برد:

- توسعه هنگ‌کنگ به‌عنوان یک مرکز پیشرو تجارت و بازرگانی بین‌المللی؛
- ارتقاء یک محیط مناسب برای تجارت و جذب سرمایه‌گذاری؛
- تثبیت هنگ‌کنگ به‌عنوان مرکز برتر ارتباطات از راه دور آسیا؛
- توسعه حداکثری فعالیت‌های خلاقانه و ارزش‌افزوده؛
- اطمینان از یکپارچگی اقتصادی نزدیک‌تر بین هنگ‌کنگ و منطقه دلتای رودخانه

مروارید (Commerce and Economic Development Bureau, 2011).

این اداره محصور در امور بازرگانی نبوده و دارای بخش‌های صنعتی، گردشگری، ارتباطات و صنایع خلاق است. این اداره مسئول توسعه روابط خارجی هنگ‌کنگ، توسعه سرمایه‌گذاری‌های داخلی، حمایت از اموال معنوی یا مالکیت معنوی، حمایت از صنایع و کسب‌وکار، ارتقا گردشگری، توسعه صنایع خلاق، صنایع سینمایی، ارتباطات از راه دور و طیف گوناگونی از مسئولیت‌های مرتبط با توسعه را بر عهده دارد (Commerce and Economic Development Bureau, 2011). این اداره بالاتر از سطح سازمانی و در سطح وزرا قرار داشته و البته چندین وظیفه غیرمرتبط با توسعه مانند

1. Pilot agency

2. Commerce and Economic Development Bureau

سانسور رسانه‌ها و حمایت از دارایی‌های معنوی را نیز عهده‌دار است. لازم به ذکر است که بحث مالکیت معنوی و فکری برای حفظ و حراست از افکار نوآورانه و کارآفرین و محافظت از شرکت‌های خصوصی بحثی مهم در نونهادگرایی^۱ است و توجه هنگ‌کنگ به این مسئله است که این کشور را به فضای مناسب و ایدئال تجاری- مالی تبدیل کرده است.

اداره بازرگانی و توسعه اقتصادی از روش‌های بسیار مداخله‌گرایانه برای اصلاح شکست بازار و ارتقای آن استفاده می‌کند. این را می‌توان در تزریق منابع مالی برای تحریک تولید و عرضه در صنایع مختلف کارخانه‌ای و غیرکارخانه‌ای مشاهده کرد (Commerce and Economic Development Bureau, 2016&2017). به دلیل اهمیت بخش مالی در توسعه هنگ‌کنگ و لزوم نگاه ویژه به آن، اداره خزانه‌داری هنگ‌کنگ^۲ متولی امور پولی مالی هنگ‌کنگ این مرکز مالی مهم بین‌المللی را عهده‌دار است و به‌نوعی سازمان راهبری هنگ‌کنگ در امور پولی مالی محسوب می‌شود (Financial Services and the Treasury Bureau, 2013).

۲-۳. استقلال نسبی دولت

یکی از نتایج عدم حق رأی عمومی، سطح بالای استقلال و اقتدار دولت اجرایی است. جدایی بوروکراسی اجرایی از گروه‌های اجتماعی میراث استعمار انگلیس است که به خوبی حفظ شده است. انگلیس همواره سعی در جداسازی طبقه حاکمه از توده در مستعمرات خود داشت (Lau & Liu, 1984). این عدم فشار اجتماعی منجر به تداوم و ثبات در سیستم اداری هنگ‌کنگ شده است. البته ثبات بوروکراتیک و استقلال بسیار بالای دولت از طبقات و گروه‌های اجتماعی به معنای جدایی کامل دولت از آن‌ها نیست. عناصر تجاری و صنعتی روابطی ویژه‌ای با دولت داشته و به انحاء گوناگون

1. neo-institutionalism

2. Financial Services and the Treasury Bureau

مانند حضور مؤثر در شورای اجرایی یا شورای قانون‌گذاری بر سیاست‌های دولت تأثیرگذارند (Ngok, 2016: 249). در هنگ‌کنگ شاهد جدایی دولت-اجتماع و همپوشانی دولت-کسب‌وکار-تجارت هستیم که به‌نوعی استقلال بالای دولت از همه طبقات و هم‌زمان تعامل بسیار خوب با طبقه سرمایه‌دار مخصوصاً تجاری را نشان می‌دهد. می‌توان گفت دولت هنگ‌کنگ بیشتر دولت نهادینه است تا اینکه استقلال کامل از جامعه داشته باشد، به‌وسیله مجاری رسمی و تعیین‌شده نهادی از جامعه و گروه‌های تجاری تأثیر می‌پذیرد اما توانایی طبقه سرمایه‌دار تجاری بر تأثیر بر سیاست‌های دولتی مطلق نبوده و دولت هنگ‌کنگ نسبت به نفوذ سیاسی، اجتماعی و تلاش‌های لابی‌گرایی از کانال‌های غیررسمی به‌شدت مقاوم و نفوذناپذیر است (Painter, 2005: 335-346).

۴-۲. مدیریت منافع اقتصادی غیردولتی

همان‌طور که گفته شد طبقه تجاری چه از طریق مشارکت فعال در انتخاب رئیس اجرایی و چه از طریق کانال‌هایی مانند شورای قانون‌گذاری، بازیگری مهم در حاکمیت اقتصادی هنگ‌کنگ محسوب می‌شود. در اینجا لازم است به نکته مهمی اشاره کنیم و آن نقش مهم دولت پکن در تقویت طبقه سرمایه‌دار وابسته به خود در هنگ‌کنگ است. دولت مرکزی چین برای تضعیف میراث سیاسی نظام اداری استعمار انگلیس، مدیریت تغییرات از انگلیس به قوانین چین را بر عهده سرمایه‌داران تجاری وابسته و وفادار خود واگذار و از این طریق، نهادهای سیاسی هنگ‌کنگ را به انحصار این طبقه وابسته به خود درآورد (Goodstadt, 2000: 721-741). نفوذ سیاسی چین در مجلس انتخاب رئیس اداره اجرایی نیز مشهود است؛ به‌طوری که اعضای کمیته انتخابات اغلب طرفدار پکن هستند (Wong, 2017: 312-332). حضور سه بازیگر دولت مرکزی چین، دولت اجرایی هنگ‌کنگ و طبقه سرمایه‌دار تجاری وضعیت پیچیده‌ای را رقم زده است اما دولت اجرایی هنگ‌کنگ با اتکا به اصل یک کشور دو سیستم همچنان نقشی محوری

در مدیریت منافع اقتصادی طرف‌های گوناگون در فرایند توسعه ایفا می‌کند. هر جا لازم باشد سیاست‌های مداخله‌گرایانه برای مدیریت تعارضات و اصلاح شکست بازار اعمال می‌کند اما همچنان خود را متعهد به اصول بازار آزادی مانند دکتین عدم مداخله‌گرایی مثبت و حفظ هنگ‌کنگ به عنوان مرکز مالی و ایدئال بین‌المللی دانسته و از این طریق منافع بخش خصوصی را نیز تأمین می‌کند (Woo, 2015: 553-561).

۵-۲. جامعه مدنی

علی‌رغم عدم حق رأی عمومی و دولت به شدت نخبه‌گرا، هنگ‌کنگ دارای یک جامعه مدنی پرتحرک، آزادی‌های اجتماعی و مدنی نسبتاً بالا، مطبوعات آزاد و دادگاه‌های مستقل است (Ma, 2016: 160-161). محققان (Wong & Chan, 2017: 312-332) دلایل زیادی را برای قدرت جامعه مدنی در هنگ‌کنگ ذکر کرده‌اند. میراث استعمار انگلیس، تلاش برای ایجاد تمایز با چین کمونیست، ورود نخبگان و مهاجران چینی، حضور پررنگ مردمان غربی در شرکت‌های خصوصی و شهر از جمله این دلایل است؛ اما پس از واگذاری و با افزایش سیاست‌های اقتدارگرایانه، روابط دولت-جامعه به نفع دولت که مستظهر به حمایت قوی دولت مرکزی پکن است تغییر کرده و دولت اجرایی هنگ‌کنگ به تعاریف دولت توسعه‌گرایی کلاسیک نزدیک‌تر شده و با وضع قوانین امنیت ملی سعی در محدودسازی جامعه مدنی و جلوگیری از ناآرامی‌ها دارد (Cheung, 2017). هنگ‌کنگ به عنوان دموکراسی ناقص در فهرست دموکراسی واحد اطلاعات اکونومیست توصیف شده (The Economist, 2017) و در شاخص آزادی مطبوعات در رتبه ۷۴ام جهانی قرار گرفته است (Reporters Without Borders, 2017). لازم به ذکر است واگذاری هنگ‌کنگ به چین به مذاق جامعه مدنی هنگ‌کنگ خوش نیامده و جنبش‌های اعتراضی از اقتصادمحوری به سیاست محوری تغییر جهت

داده‌اند که جنبش چتر^۱ یا استقلال نمونه‌هایی از آن هستند (Wong & Chan, 2017:312-332). با این حال قدرت دولت اجرایی بالاست و توانسته جنبش‌های اعتراضی را به خوبی مدیریت کند.

۶-۲. مشروعیت اجرایی

دولت هنگ‌کنگ مشروعیت سیاسی خود را به‌جای اخذ از مراجعی مانند انتخابات آزاد و دموکراتیک از قابلیت‌های اجرایی و اداری، رشدهای اقتصادی شتابان، تبدیل شهر به مرکز مالی مهم بین‌المللی و آثار مثبت آن بر سطح رفاه شهروندان اخذ می‌کند. از دوران استعمار تأکید بر حصول اهداف واقع‌گرایانه و ترجیح پیشرفت اقتصادی و مسئله توسعه بر دموکراسی و حقوق بشر مشاهده می‌شود (Ngok, 2011:686-687). در هنگ‌کنگ رهبران کارآمد، لایق، فسادستیز، منظم و توسعه‌گرا با نوعی مدیریت پدرمآبانه به پیشروی و راهبری امر توسعه می‌پردازند. علاوه بر مشروعیت اجرایی، آزادی‌های اجتماعی گسترده نیز خلأ دموکراسی ناقص را جبران می‌کند؛ به تعبیری دولت هنگ‌کنگ با برآورده ساختن خواسته‌های عمومی و تأمین ثبات و رفاه و آزادی‌های مدنی به مشروعیت سیاسی‌اش دست یافته است. واقعیت دیگر آنکه مشروعیت سیاسی هنگ‌کنگ پس از واگذاری به چین دچار افت شده، زیرا تلاش‌های دولت اجرایی هنگ‌کنگ برای سازگاری نهادی با چین کمونیست و نیز تلاش‌های چین برای ادغام هنگ‌کنگ در سرزمین اصلی به اقتدارگرایی بیشتر دولت انجامیده است.

۳. چالش‌های نظری و تجربی دولت توسعه‌گرای کلاسیک

این مدل مانند سایر مفاهیم سیاسی در گذر زمان و در مواجهه با عوامل بیرونی دچار تغییر و تطوراتی شد. این عوامل بیرونی هم شامل عوامل نظری است که گریبان مدل‌ها

1. umbrella movement

و مفاهیم را می‌گیرد و هم عوامل تجربی و واقعیات عینی که تأثیر خود را بر نظریه می‌گذارند. در ذیل به صورت جداگانه به آن‌ها می‌پردازیم:

۱-۳. بحران نظری

دو بحران معرفت‌شناختی گریبان‌گیر مدل کلاسیک دولت توسعه‌گرا شده است: ۱. ظهور دولت توسعه‌گرای غیر آسیایی؛ و ۲. ضعف‌ها و محدودیت‌های نظری (Woo, 2016:10-35).

مدل دولت توسعه‌گرا از دل تجربه توسعه کشورهای شرق آسیا به وجود آمد اما ظهور برخی کشورها در سایر نقاط جهان که علیرغم تفاوت‌های قابل‌توجه در متغیرهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، از ویژگی‌های یک دولت توسعه‌گرای مدل کلاسیک شرق آسیا برخوردار بودند. مثلاً ترکیبی از اقتدارگرایی سیاسی و تمایل به توسعه سریع اقتصادی منجر به اتخاذ مدل دولت توسعه‌گرا در رواندا شده است (Mann&Berry, 2016:119-144)، یا در جای دیگر تفاوت‌های کیفی میان مدل آسیایی دولت توسعه‌گرا و مدل‌های نوظهور وجود دارد. مثلاً آن میزان تمایل به بازارهای آزاد اقتصادی مالی در مدل آسیایی در مدل آفریقایی مشاهده نمی‌شود.

علاوه بر آثار واقعیات تجربی بر نظریه، ضعف‌ها و محدودیت‌های نظری نیز در مدل کلاسیک وجود داشت. گینز بورو^۱ (۲۰۰۹) سه ضعف اساسی در مدل کلاسیک دولت توسعه‌گرا را شناسایی کرده است:

- مدل کلاسیک یک برداشت وبری از دولت دارد که ممکن است برای همه دولت‌ها قابل اجرا نباشد؛
- متکی به استنباطات از ساختار اقتصاد جهانی در دوران جنگ سرد است؛

- تفکیک ساختگی بین دولت قوی و جامعه ضعیف قابل‌تداوم نیست (Gainsborough, 2009: 1317-1328).

علاوه بر این‌ها، مدل دولت توسعه‌گرا وابستگی زیادی به مسیر داشته و به مدل خود به چشم یک مدل ثابت برای همه زمان‌ها و همه مکان‌ها نگاه می‌کند. در نتیجه حتی اگر این دولت‌ها به وضعیت بسیار پیشرفته اقتصادی نیز دست یابند تمایل دارند همچنان در وضعیت دولت توسعه‌گرای کلاسیک باقی بمانند و این امر در ژاپن و سنگاپور مشهود است که این دو کشور علی‌رغم تحصیل رشدهای اقتصادی بالا و پیشرفت قابل‌توجه در امر توسعه اما همچنان از دخالت شدید دولت در اقتصاد برخوردارند (Kim, 1999: 441-461).

۳-۲. واقعیات تجربی

دولت توسعه‌گرا، زاده معجزه آسیای شرقی در دهه‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ بود و مطالعات نظری نیز اغلب بر نقاط قوت این مدل پرداختند اما این مدل کلاسیک در مواجهه با بحران‌های عملی نیز دچار اغتشاش‌های نظری شد؛ یعنی آثار تجربه عینی و واقعی بر نظریه. بحران‌های مالی مانند بحران شرق آسیا در سال ۱۹۹۷ و بحران جهانی ۲۰۰۸، دیجیتالی‌شدن اقتصاد، جهانی‌شدن نئولیبرالی و نظایر این‌ها قوت مداخله‌گرایی و توانایی حل بحران توسط مدل کلاسیک دولت توسعه‌گرا را به چالش کشید و مشخص شد این دولت‌ها آن‌چنان که تصور می‌شد از عهده حل بحران شرق آسیا برنیامدند (Carroll and Jarvis, 2017).

عامل دیگر، روند جهانی آزادسازی اقتصادی و دموکراتیزاسیون سیاسی یا امواج دموکراسی بود که قدرت و توانایی دولت توسعه‌گرای مدل کلاسیک را به چالش کشیده است. به‌عنوان مثال، در فضای آزادسازی جهانی و قوانین سازمان جهانی تجارت اعمال تعرفه‌های وارداتی بالا بسیار مشکل است و این امر حمایت از صنایع نوپا و اتخاذ استراتژی جایگزینی واردات (که در مراحل اولیه توسعه توسط دولت‌های

توسعه‌گرا اتخاذ شد) را بسیار مشکل می‌کند (Block and Negoita, 2016:58). عامل جهانی‌شدن اقتصاد و ظهور شرکت‌های چندملیتی باعث شد تا رابطه دولت داخلی با این شرکت‌ها بسیار ضعیف‌تر از ارتباط استراتژیک این شرکت‌ها با شبکه‌های تولید جهانی باشد و در اینجا شاهد نوعی گذار از یک رابطه دولت-شرکت در سطح داخلی به شرکت-شرکت در سطح جهانی هستیم (Cheung, 2017)، و به تعبیر کالدر^۱ (۲۰۱۶) دولت‌ها دیگر آن قوام و تسلط قرن بیستمی را ندارند و مرزهای دولت-جامعه-شرکت‌های خصوصی و شرکت‌های بین‌المللی و دولت‌های خارجی توسط فناوری و دیجیتالیسم به چالش کشیده شده و نظریه‌های قدیمی دولت نیز ارزش اصولی و پیش‌بینی خود را از دست داده‌اند (Calder, 2016:14-15).

دولت هنگ‌کنگ نیز از این قواعد مستثنا نبوده و با چالش‌هایی نظیر امواج دموکراسی‌خواهی، تأثیرات دیجیتالیسم و فناوری، بازارهای مالی آنلاین و ... روبرو بود و برای اینکه بتواند همچنان خود را یکی از رقابتی‌ترین بازارهای مالی جهان بداند باید خود را با این تغییرات تطبیق می‌داد.

۴. گذار به دولت توسعه‌گرای هوشمند

در بخش قبل گفته شد که دولت توسعه‌گرا با ایرادات نظری و واقعیات چالش‌برانگیز تجربی مواجه شد و مفهوم دولت توسعه‌گرا دیگر مثل سابق نمی‌توانست موضوعیت داشته باشد و برای بقا نظری باید تغییراتی در مدل کلاسیک خود ایجاد کند و از این‌رو لزوم سازگاری مدل دولت‌های قدیمی با شرایط جدید احساس می‌شود (Cheung, 2008:121-145) و وقتی چالش‌ها توسط فناوری، دیجیتالیسم، آزادسازی و جهانی‌شدن دیجیتال ایجاد شده‌اند لاجرم پاسخ به چالش‌ها نیز باید توسط فناوری داده شود.

1. Calder

جی‌جی‌وو (۲۰۱۸) از جمله کسانی است که تلاش کرده خوانش جدیدی از دولت توسعه‌گرا ارائه دهد که متمایز از مدل کلاسیک ولی در امتداد آن و البته سازگار با شرایط دیجیتالی جدید باشد. جی‌جی‌وو در کتاب *تکامل دولت توسعه‌گرا در شرق آسیا*^۱ (۲۰۱۸) مدل دولت توسعه‌گرای هوشمند را مطرح کرده و برای چنین دولتی ویژگی‌هایی برشمرده است که همان ویژگی‌های دولت توسعه‌گرای لفت‌ویچ است که عناصر آن رنگ و بوی فناوری و دیجیتالیسم به خود گرفته‌اند (ن.ک جدول ۲).

جدول ۲: مدل دولت توسعه‌گرای هوشمند

اجزاء	اصلاحات نسبت به مدل کلاسیک لفت‌ویچ
نخبگان توسعه‌گرا	نقش فزاینده شرکت‌های فناوری و استارت‌آپ‌ها و البته همچنان نقش محوری و دست بالاتر با دولت است.
سازمان راهبری	سازمان‌های راهبری تخصصی و غیرمتمرکز
استقلال نسبی دولت	نقش دولت به‌عنوان کاتالیزگر نوآوری در فناوری و کارآفرینی دیجیتال محور پلتفرم‌های نرم‌افزاری برای ایجاد سیاست‌های مشترک
مدیریت منافع بخش خصوصی	تلاش دولت برای جذب و توسعه شرکت‌های بزرگ و کوچک نوپا و دیجیتال محور
جامعه مدنی	تعامل جامعه مدنی و قوت آن به‌واسطه رسانه‌های اجتماعی دیجیتال کنترل دولت بر شهروندان با ابزار فناوری
مشروعیت عملکرد	رشد اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی مردم هدف محوری شهر هوشمند

منبع: یافته‌های نگارنده

وو (۲۰۱۸) معتقد است که جهانی‌شدن، آزادسازی اقتصادی، اقتصاد دانش‌محور، اقتصاد دیجیتالی و غیره و نوع سیاست‌های دولت‌ها در رابطه با چالش‌های فوق باعث اصلاح مدل دولت توسعه‌گرا و نقش‌آفرینی هر چه بیشتر عناصر و مؤلفه‌های دیجیتال و فناور در مدل

دولت شده و دولت‌های توسعه‌گرای شرق آسیا مانند هنگ‌کنگ و سنگاپور سعی کرده‌اند خود را نه تنها با تغییرات دیجیتالی و آزادسازی مالی تطبیق دهند بلکه در این زمینه پیشرو نیز باشند. این کار به وسیله سیاست کلان‌شهر هوشمند پیاده‌سازی شده است.

گفته شد که بحران مالی آسیا باعث بروز تغییراتی در سیاست‌ها و راهبردهای دولت‌های منطقه و نیز تغییر شکل دولت توسعه‌گرا شد. این دولت‌ها برای خروج از بحران دو راهبرد اقتصاد دانش‌بنیان و مالی‌گرایی نئولیبرالی را برگزیدند. مالی‌گرایی نئولیبرالی از دهه ۷۰ میلادی در دستورکار سنگاپور و هنگ‌کنگ قرار گرفت و دولت‌های سنگاپور و هنگ‌کنگ را به مراکز مالی مهم بین‌المللی تبدیل کرد اما راهبرد اول و تغییر به سمت دگرگونی‌های دیجیتالی جدید بود. تلاش برای تبدیل به شهرهای هوشمند که قابلیت استفاده از آخرین فناوری‌های دیجیتال در فرایندهای صنعتی و خدماتی و مالی را دارد از اهداف جدید دولت‌شهر است. لازم به ذکر است که این راهبرد در عرض راهبرد مالی‌گرایی نئولیبرالی نبوده و بالعکس نوعی مکمل برای آن محسوب می‌شود، زیرا با پیشرفت فناوری و ایجاد بازارهای مالی مجازی و نقش وب در بازارهای مالی که ارزشهای دیجیتال و جهان متاورس از نمونه‌های اخیر آن هستند، دولت‌شهر را به سمت ایجاد یک مرکز مالی هوشمند حرکت داده است (Menon, 2015). ابتکار ملت هوشمند^۱ در سنگاپور و شهر هوشمند^۲ در هنگ‌کنگ در این راستاست. شهر هوشمند جایی است که می‌توان با استفاده از تجزیه و تحلیل داده‌ها و حسگرهایی که امکان جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات را دارند مسائل پیچیده به‌ویژه حمل‌ونقل شهری، بهداشت، آموزش، جرم و مسائل مالی را حل کرد (Goodspeed, 2015:79-92).

لازم به ذکر است که یکی از دلایل مهم حرکت هنگ‌کنگ به سمت هوشمندسازی و دیجیتالیزاسیون، آثاری است که از سرزمین اصلی گرفته است، زیرا دولت مرکزی

1. Smart Nation
2. Smart city

پکن نیز راهبرد دیجیتالی‌سازی را با مقاصد گوناگونی چون رشد اقتصادی و تولید ثروت، رقابت تکنولوژیک با غرب و کنترل شهروندان با ابزار پیشرفته فناوری دنبال کرده است و میدانیم که هنگ‌کنگ هرچند تحت اصل یک کشور- دو سیستم است اما اثرپذیری زیادی از دولت مرکزی چین دارد.

نظریه شهر هوشمند بر استفاده از فناوری‌های دیجیتالی به‌عنوان راه‌حل‌های سیاستی برای حل مسائل مدنی و شهری است (Batty, 2013: 274-279). رابطه این نظریه با سیاست را می‌توان از طریق نظریه دولت الکترونیک^۱ توضیح داد. نظریه دولت الکترونیک توسط وست^۲ (۲۰۰۴) به‌عنوان «ارائه اطلاعات و خدمات دولت به‌صورت آنلاین از طریق اینترنت یا سایر ابزارهای دیجیتالی» مطرح شد (West, 2004: 15-27). نظریه دولت الکترونیک نقطه اتصال سیاست و دیجیتالیسم نوین و پاسخی نوین به پرسش‌های قدیمی درباره خدمات دولتی است. تمرکز نظری دولت الکترونیک بر ارائه خدمات عمومی و اجرای سیاست‌هاست و آنچه تغییر به سمت شهروندمحوری بیشتر و تصمیم‌گیری مشارکتی است را حکمرانی الکترونیک^۳ می‌گویند (Dawes, 2008: 86). نظریه شهر هوشمند عناصر هر دو نظریه دولت الکترونیک و حکمرانی الکترونیک را در خود دارد و این نظریه هم به دنبال ارائه خدمات به شهروندان و هم دخیل کردن شهروندان در تصمیم‌های سیاسی- اجتماعی با ابزار فناوری‌های دیجیتال است. یک شهر هوشمند دارای چهار عنصر کلیدی است:

- استفاده از زیرساخت‌های شبکه‌ای برای بهبود نتایج اقتصادی و سیاسی و امکان توسعه فرهنگی- اجتماعی شهری؛
- تأکید اصولی بر توسعه شهری با گسترش کسب‌وکار و نقش کارآفرینانه برای دولت؛

1. E-government theory

2. West

3 E-Governance

- حضور صنایع پیشرفته و خلاق مانند رسانه‌های دیجیتال؛
- نگرانی در مورد پایداری اجتماعی و زیست‌محیطی (Hollands, 2008:303-320).

پیش‌زمینه ساختن شهر هوشمند که چهار عنصر کلیدی فوق را پوشش دهد وجود زیرساخت‌های ICT قدرتمند است که مرکز اصلی ایده شهر هوشمند است. تأکید بر ارائه خدمات و پاسخگویی و شفافیت فرایندهای سیاست شهر از طریق ابزارهای دیجیتال باعث تحول فوق شده و وجه تمایز این نظریه با دولت الکترونیک که قائل به فرایندهای از بالا به پایین و نیز غیر مشارکتی غیر مشورتی است، تأکید بر همکاری و پاسخگویی است (Meijer and Bolívar, 2016:392-408).

۵. شهر هوشمند هنگ کنگ: حرکت به سمت دولت توسعه‌گرای هوشمند

در قسمت قبلی اشاره شد که هنگ کنگ در مواجهه با شرایط و چالش‌های دیجیتالیسم، به‌وسیله سیاستی با نام شهر هوشمند خود را با آن وفق داده است. در هنگ کنگ چه اتفاقی افتاده و این شهر هوشمند دارای چه عناصر و مؤلفه‌هایی است، زیرا پیدایش آن، باعث ایجاد شیوه‌های جدیدی در سیاست و حکومت و تغییر در مدل دولت توسعه‌گرای هنگ کنگ شده است.

هنگ کنگ اولین طرح شهر هوشمند خود را در سال ۲۰۱۸ منتشر کرد (Yeung and Singh, 2018). در این طرح ابتکارهایی راجع به طراحی و اجرای یک شهر هوشمند و برنامه‌ریزی برای مداخله دولتی و وظیفه راهبری طرح توسط دولت اجرایی دیده می‌شود (Koh, 2019). شهر هوشمند ریشه در دولت الکترونیک دارد و بر اساس اصول موجود در آن بنا شده است. سابقه دولت الکترونیک در هنگ کنگ به ۱۹۹۸ و تلاش‌ها برای گسترش راهبردهای دیجیتال ۲۱^۱، استفاده از ICT در بخش‌های خصوصی و

دولتی و به استقبال قرن بیست و یکم یعنی قرن هوشمند رفتن است. این راهبرد در سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۰۳، ۲۰۰۱ و ۲۰۱۴ به‌روزرسانی شد و درحالی‌که در اوایل بر ایجاد و گسترش زیرساخت‌ها متمرکز بود در نسخه‌های جدیدتر، این راهبرد بر اشتراک داده‌ها و همکاری و ارائه خدمات الکترونیک به شهروندان و تلاش‌های زیاد برای تولید ثروت از این طریق تأکید دارد. در آخرین نسخه، این راهبرد که «هنگ‌کنگ هوشمندتر، زندگی فعال‌تر»^۱ نام دارد بر مشارکت فعال شهروندان و بخش خصوصی در ایجاد زیرساخت‌های فناورانه و ارائه خدمات نوین تأکید شده است (Government of Hong Kong Special Administrative Region, 2017a).

چهار محور راهبرد طرح دیجیتال ۲۱ که در سال ۲۰۱۴ توسط گرگوری^۲ وزیر تجارت و توسعه اقتصادی هنگ‌کنگ بیان شد، عبارت‌اند از:

- توانمندسازی مردم و کسب‌وکارها؛
- آغاز نوآوری در تجارت؛
- حمایت از ICT؛
- تحول و تلفیق خدمات عمومی (eGov Innovation, 2013).

هم‌زمان با طرح جامع دیجیتال ۲۱، دولت هنگ‌کنگ از اوایل دهه ۲۰۰۰ گسترش دولت الکترونیک را دنبال کرده است. ایجاد وب‌سایت‌های دولتی ارائه‌دهنده خدمات مانند تأسیس GovHK که یک پورتال عمومی خدمات الکترونیک دولت است یا نسخه شهروندمحور این پورتال یعنی my GovHK مثال‌هایی برای گسترش دولت الکترونیک هستند (Woo, 2018:180-190). از طرف دیگر، برنامه شهر متصل به وای‌فای^۳ یا وای‌فای هنگ‌کنگ^۴ که اینترنت بسیار باکیفیت و سرعت بالا را برای تمام شهروندان به

1. Smarter Hong Kong, more active life

2. Gregory So Kam-leung

3. Wi-Fi

4. WiFi-HK

ارمغان آورده و تقریباً تمام نقاط منطقه هنگ کنگ را تحت پوشش خود دارد و زیربنای ارایه خدمات هوشمند است در راستای هوشمند سازی شهر بوده و این طرح هوشمند سه هدف اصلی سیاستی را دنبال می‌کند:

- حل چالش‌های شهری و بهبود کیفیت زندگی شهروندان از طریق استفاده از نوآوری و فناوری؛
- افزایش جذابیت هنگ کنگ برای تجارت و استعداد های جهانی؛
- توسعه پایدار اقتصادی با محوریت نوآوری و تکنولوژی مستمر شهری.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود اهداف سیاستی شهر هوشمند محدود به حوزه‌های اجتماعی و شهری نماند و اهداف اقتصادی و توسعه‌ای خصوصاً در حوزه تجارت را نیز در بر گرفت. مثال‌هایی از این دربرگیرندگی در جدول زیر آمده است:

جدول ۳: حوزه‌ها و راهبردهای طرح شهر هوشمند هنگ کنگ

حوزه	ابتکارها و راهبردهای هوشمند ساز
جابجایی هوشمند	حمل و نقل و ترافیک هوشمند؛ فناوری حمل و نقل سبز سازگار با محیط زیست؛ فرودگاه هوشمند
زندگی هوشمند	توسعه شبکه wi-fi عمومی رایگان؛ توسعه سیستم‌های پرداخت دیجیتال
محیط هوشمند	کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای؛ شهر سبز
افراد هوشمند	توسعه فرهنگ کارآفرینی دیجیتال؛ حمایت و توسعه استعدادهای جوان در حوزه دیجیتال و کامپیوتر
دولت هوشمند	توسعه و ابتکارهای داده‌های باز؛ حکمرانی دیجیتال؛ دولت الکترونیک؛ توسعه زیرساخت‌های شهری هوشمند
اقتصاد هوشمند	توسعه اقتصاد دیجیتال و شبکه‌ای؛ توسعه اقتصادی مبتنی بر فناوری سطح بالا؛ سازگاری تمام بخش‌های اقتصادی با تحولات دیجیتال

منبع: Woo, 2018

هنگ‌کنگ به‌طور فعال در حال توسعه طرح‌های دولت الکترونیک و شهر هوشمند بوده و پیشرفت زیادی در دیجیتالی کردن خدمات و بهبود زیرساخت‌ها داشته است. دولت تا اواسط سال ۲۰۲۴ تمام مراحل صدور مجوزهای دولتی اعم از ثبت‌نام و تأیید را دیجیتالی کرده، پلتفرم iamSmart^۱ را در سال ۲۰۲۰ راه‌اندازی کرده و تعداد تراکنش‌های این پلتفرم به ۱۷.۵ میلیون عدد تراکنش در سال ۲۰۲۵ افزایش یافته، ۶۰۰ میلیون دلار هنگ‌کنگ برای انجام ممیزی جامع دولت الکترونیک در سال ۲۰۲۳ اختصاص داده و اقدام‌هایی از این دست که باعث شده هنگ‌کنگ به یکی از قطب‌های دولت الکترونیک و شهر هوشمند در جهان تبدیل شود؛ به طوری که در رتبه‌بندی شهرهای هوشمند ۲۰۲۵ جهان در رتبه هشتم جهانی و دوم آسیا پس از توکیو قرار گرفته و در زمره ۱۵ شهر هوشمند جهان طبقه‌بندی شده است (Humanresourcesonline, 2025). همچنین، در آخرین رتبه‌بندی رقابت‌پذیری دیجیتال جهان^۲ که توسط موسسه بین‌المللی توسعه مدیریت (IMD) منتشر شده است، رتبه هنگ‌کنگ با سه رتبه بهبود به رتبه هفتم جهانی رسیده است. گزارش WDCR 2024 سازمان توسعه و همکاری اقتصادی تأیید کرد که هنگ‌کنگ همچنان یکی از رقابتی‌ترین اقتصادهای دیجیتال در جهان است. این تحول، روندی مداوم است، زیرا چهاردهمین برنامه پنج‌ساله ملی هنگ‌کنگ حمایت آشکار از توسعه هنگ‌کنگ به‌عنوان یک مرکز نوآوری و فناوری (I&T) بین‌المللی را نشان می‌دهد. فناوری عنصر اصلی در پرورش نیروهای مولد جدید باکیفیت و همچنین انگیزه‌ای کلیدی برای توسعه اقتصادی با کیفیت بالا در هنگ‌کنگ است. هنگ‌کنگ به‌عنوان میزبان پنج دانشگاه از ۱۰۰ دانشگاه برتر جهان (سه دانشگاه از ۱۰ دانشگاه برتر آسیا)، دارای قابلیت‌های تحقیق و توسعه (R&D) در سطح جهانی و زیرساخت‌های فناوری و همچنین مجموعه‌ای از

۱. این پلتفرم یک برنامه قابل نصب در تلفن همراه است که کاربران را قادر می‌سازد به ۲۶۰ درگاه دولتی دسترسی داشته باشند.

استعدادهای متنوع است. یک اکوسیستم استارت‌آپی پررونق، یک محیط تجاری آزاد، باز و منصفانه، یک سیستم مالیاتی ساده با نرخ مالیات پایین، همراه با حمایت قوی از سیاست‌ها، هنگ‌کنگ را در موقعیت مطلوبی برای جذب شرکت‌های استراتژیک و استعدادهای برتر از سراسر جهان قرار می‌دهد (Office of the Government Chief Information Officer, 2024).

۶. اجرای دولت توسعه‌گرای هوشمند در هنگ‌کنگ

رویکرد دولت‌محور هنگ‌کنگ برای ایجاد شهر هوشمند و حضور دولت اجرایی به‌عنوان بازیگر اصلی طراح و مجری ساخت شهر هوشمند آثاری عمیق بر مدل دولت توسعه‌گرای هنگ‌کنگ گذاشته است، زیرا شهر هوشمند تمام وجوه زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را دربر گرفته و آن را هوشمندسازی می‌کند. در این بخش به این مهم پرداخته می‌شود که دولت هنگ‌کنگ پس از اتخاذ و اجرایی کردن طرح بزرگ شهر هوشمند تا چه میزان دارای ویژگی‌های مدل مدنظر جی‌جی‌وو شده است.

۶-۱. نخبگان توسعه‌گرا

به دلیل سیستم و سازمان‌های سیاسی موجود، تسلط نخبگان بر حاکمیت اقتصادی هنگ‌کنگ و ابتکار شهر هوشمند همچنان حفظ شده است. دولت اجرایی هنگ‌کنگ، کمیته تقریباً ۱۲۰۰ نفره انتخاب رئیس اجرایی و مجلس قانون‌گذاری همچنان بازیگران اصلی هستند اما با توجه به اهمیت روزافزون صنایع هوشمند و دیجیتال، وزن و تأثیر نخبگان بخش خصوصی مرتبط با فناوری بسیار افزایش پیدا کرده است. در حقیقت، وزن نخبگان دیجیتال در درون و بیرون دولت افزایش یافته است. مایکروسافت^۱،

هاتچینسون^۱، شورای صنعت فناوری اطلاعات هنگ‌کنگ یا گروه ۲۵^۲ و شرکت پرایس واترهایوس کوپرز^۳ که بنیاد اصلی توسعه شهر هوشمند هنگ‌کنگ است ترکیبی از نخبگان دیجیتال درون و بیرون دولت را نشان می‌دهد (Office of the Government Chief Information Officer, 2014). با وجود افزایش نقش نخبگان دیجیتال بخش خصوصی یعنی شرکت‌های فناوری، استارت‌آپ‌ها^۴ و مانند این‌ها اما فعالان دولتی همچنان در جایگاه مسلط و برتر سیاست‌گذاری و اجرا قرار دارند.

۲-۶. سازمان‌های راهبری

تبدیل هنگ‌کنگ به شهر هوشمند و دیجیتالی‌شدن دولت نیازمند سازمان‌های راهبری جدیدی است. همان‌طور که در توسعه اقتصادی، یک سازمان راهبری متولی امور توسعه شد در اینجا نیز دفتر مدیر ارشد فناوری اطلاعات دولت^۵ (OGCIO) متولی اصلی راهبری طرح هوشمند هنگ‌کنگ است. این دفتر با تشکیل گروهی ویژه از متخصصان دیجیتال به آموزش سایر ادارات دولتی، مدیریت دیجیتالی‌سازی شهر و تلاش برای هدایت این فرایند به سمت اهداف توسعه‌ای و تجاری می‌پردازد (Basu, 2017). OGCIO سازمان راهبری متمرکز است و علاوه بر آن، سازمان‌های غیرمتمرکز نیز ایجاد شده‌اند. درواقع، اتصال دو موضوع جنبش مدیریت عمومی جدید^۶ (NPM) و نیز دولت الکترونیک (حکمرانی دیجیتال) ایجاب می‌کند که سازمان‌های غیرمتمرکز برای دیجیتالی‌سازی شهر دولت ایجاد شوند. NPM بر تمرکززدایی،

1. Hutchinson

2. Group 25 (Hong Kong Information Technology Industry Council)- HKSTP

3. PricewaterhouseCoopers-PWC

4. startups

5. Office of the Government Chief Information (OGCIO)

6. New Public Management

خصوصی‌سازی و برون‌سپاری خدمات عمومی با هدف افزایش کارایی تأکید دارد (Pollitt and Bouckaert, 2011).

با افزایش بهره‌مندی از تکنولوژی، این اقدام‌ها و خدمات به سادگی توسط فناوری‌های جدید و هوشمند انجام می‌پذیرد. البته دولت هنگ‌کنگ همچنان سعی دارد تا کنترل خود را بر امور اقتصادی حفظ کند اما برخلاف مدل کلاسیک دولت توسعه‌گرا که یک سازمان راهبری واحد، بر فرایند توسعه دارای حاکمیت تام و تمام بود در اینجا یعنی در مدل دولت توسعه‌گرایی هوشمند یک سازمان راهبری به همراه بازیگران دولتی و خصوصی دیگر حول خود به راهبری دیجیتالیزه کردن دولت شهر می‌پردازد.

۳-۶. استقلال نسبی دولت

در مدل کلاسیک، دولت به عنوان محرک اقتصادی و بازیگری پرکار به ایفای نقش‌های مستقیم توسعه‌ای می‌پرداخت اما در مدل هوشمند، پیچیدگی‌های اقتصاد دانش‌بنیان و اقتصاد دیجیتال ایجاب می‌کند که دولت به عنوان کاتالیزور نوآوری و کارآفرینی ایفای نقش کند. در اینجا، حمایت و تسهیل فعالیت‌های استارت‌آپ‌های فناوری و کارآفرینان به جای دخالت و هدایت در کارهای آنان به عنوان نقش کاتالیزور دولت است.

از آنجا که افزایش تکنولوژی و هوشمند شدن ابزارها و فرایندها باعث تغییرات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی شده است پس استقلال نسبی دولت را نیز باید در این فضا تحلیل کرد؛ فضایی که شبکه گسترده‌ای از بازیگران درهم‌تنیده دولتی و خصوصی در فضای دیجیتال و آی‌سی‌تی نقش‌آفرینی می‌کنند اما دولت هم برای افزایش استقلال و نقش خود به ایجاد ابزارها و اعمال سیاست‌هایی می‌پردازد. مثلاً داده‌های کلانی که از شهروندان جمع‌آوری شده تا توسط پلتفرم‌های گوناگون به شهروندان خدمات ارائه کنند همه این داده‌ها تحت اختیار و کنترل دولت نیز قرار دارد. دولت هنگ‌کنگ سعی در کنترل داده‌ها و جریان اطلاعات دارد. علاوه بر آن، در بخش مجوزها و محدودیت‌های فعالیت‌های شرکت‌های خصوصی، پارک‌های علم و فناوری و فضاهای

هوشمند شهری این دولت است که از بالا به هدایت تقنینی-حقوقی امور پرداخته و دارای تسلط در سیاست‌گذاری است (Block and Negoita, 2016: 57-72).

۴-۶. مدیریت منافع غیردولتی

در فرایند دیجیتالیزاسیون شهر و حصول رشد توسعه اقتصادی از طریق فناوری‌های نوین، روابط دولت-بخش خصوصی همچنان در مرکز این فرایندها قرار دارد. دولت هنگ‌کنگ همچنان به جذب شرکت‌های خصوصی و مخصوصاً شرکت‌های چندملیتی (که این شرکت‌ها حاملان فناوری‌های پیشرفته هستند) ادامه می‌دهد، مثلاً بورس اوراق بهادار هنگ‌کنگ (HKEx)^۱ تلاش‌های زیادی برای جذب شرکت‌های فناور که از لحاظ ارزش سرمایه در حال پیشی گرفتن از شرکت‌های مالی، انرژی و تجاری هستند، انجام داده است (Yiu and Zhang, 2017). اداره سرمایه‌گذاری هنگ‌کنگ^۲ که وظیفه جذب سرمایه مستقیم خارجی را بر عهده دارد به جذب شرکت‌های فناور مالی^۳ پرداخته تا به گسترش بازارهای مالی دیجیتال بپردازد (Terekhova, 2017). دولت توسعه‌گرای کلاسیک سعی در جذب شرکت‌های چندملیتی و خصوصی در زمینه امور مالی، دارایی، تجاری و خرده‌فروشی داشت ولی مدل جدید (دولت توسعه‌گرای هوشمند) با انواع مشوق‌ها و یارانه‌ها سعی در جذب شرکت‌های فناور و توجه به سمت اقتصاد دیجیتال و دانش‌بنیان دارد. درواقع، روابط دولت-بخش خصوصی داخل-بخش خصوصی خارجی همچنان با قدرت بالا ادامه داشته اما حوزه‌های همکاری از حوزه‌های سنتی دهه‌های ۷۰ و ۸۰ و ۹۰ میلادی به حوزه‌های دیجیتال انتقال یافته است.

1. Hong Kong's stock exchange

2. Invest HK

3. Fin Tech

۵-۶. جامعه مدنی

دیجیتالیزاسیون مداوم و حضور گسترده فناوری‌های بالا در زندگی مردم باعث افزایش قدرت جامعه مدنی شده است. ارتباطات بین شهروندان به شدت تسهیل شده و رسانه‌های اجتماعی به یک بستر اصلی برای تعامل شهروندان و گاهی اوقات بسیج سیاسی آن‌ها تبدیل شده است. رسانه‌ها مانند قدیم محدود به رسانه‌های کاغذی یا تلویزیون رسمی نبوده و مانند نسل گذشته تحت کنترل دولت نیستند (Woo, 2018:215). فناوری البته به مانند قیچی دو لبه عمل می‌کند که یک طرفش باعث قدرت جامعه مدنی و البته لبه دیگرش به کمک دولت آمده تا شهروندان را هوشمندتر کنترل کند. اینک بیشتر کنترل‌های اجتماعی مانند دوربین‌های سطح شهر، کنترل موبایل‌ها، گفتگوها، چت‌های اینترنتی و غیره به سادگی توسط پلتفرم‌هایی که در انحصار دولت است انجام می‌گیرد. جان کلام آنکه هم دولت قوی‌تر شده و هم جامعه مدنی و البته جامعه مدنی افزایش قدرت بیشتری را تجربه می‌کند. اینترنت به امکان بسیج سیاسی شهروندان توسط گروه‌های ذینفع، مشارکت و نظارت شهروندان بر امور سیاسی و سیاست‌گذاری و نیز تشکیل جوامع مبتنی بر منافع آنلاین کمک شایانی کرده است. شهر هوشمند اساساً به بازتعریف و ساخت مجدد روابط داخلی میان مردمان و روابط مردم با دولت و محیط شهری پرداخته است. شهر هوشمند آمده تا روابط میان مردم-دولت-ادارات-خدمات و شهر را دگرگون کند. به‌طور خلاصه ظهور دولت توسعه‌گرای هوشمند موجب ایجاد تغییرهای بزرگی در مدیریت و تعامل دولت و جامعه مدنی شده است (Ho, 2016:3110-3112).

۶-۶. مشروعیت اجرایی

با توجه به اینکه دولت هنگ‌کنگ استفاده از ابزارهای دیجیتال و فناوریانه و نیز هوشمندسازی شهر را با هدف رشد و توسعه اقتصادی و افزایش سطح رفاه شهروندان

انجام می‌دهد، همچنان از مشروعیت اجرایی برخوردار است. در رابطه با متغیر مشروعیت اجرایی هیچ تفاوتی بین مدل‌های کلاسیک و هوشمند دولت توسعه‌گرا وجود ندارد و دولت توسعه‌گرای هوشمند از طریق ابزار فناوری به ارتقای اقتصادی و رفاه زندگی مردم و نتیجتاً کسب مشروعیت اجرایی کمک می‌کند.

فرجام سخن

معجزه اقتصادی شرق آسیا در نیمه دوم قرن بیستم و مدل متفاوت توسعه این کشورها با مدل‌های رایج غربی و نقش پررنگ دولت در توسعه این کشورها باعث صورت‌بندی نظریه دولت توسعه‌گرا شد. لفت‌ویچ شش ویژگی برای چنین دولتی ذکر می‌کند: نخبگان توسعه‌محور، استقلال نسبی دولت، قدرت بوروکراتیک، جامعه مدنی ضعیف، مدیریت مؤثر منافع اقتصادی غیردولتی و مشروعیت عملکردی. یکی از نمونه‌های ناب چنین دولتی هنگ‌کنگ است که توانست با ثبات بوروکراتیک و در نتیجه، ثبات بالا در اقتصاد کلان و نگاه برون‌نگر و ویژگی‌هایی مانند نخبگان توسعه‌گرای منتخب و رابطه هدفمند با الیت تجاری-مالی، قدرت دیوانسالاری و توانایی فنی بالا، استقلال نسبی از طبقات و گروه‌های اجتماعی و مدیریت جامعه مدنی، مشروعیت عملکردی و توانایی بالا امر توسعه را راهبری کرده و هنگ‌کنگ را از یک منطقه کم‌اهمیت به مرکز مهم مالی-ترانزیتی جهان گذار دهد و از این جهت دارای عیار بالایی از توسعه‌گرایی به سبک دولت توسعه‌گرای لفت‌ویچ بوده است.

دولت توسعه‌گرا در مواجهه با چالش‌های نظری و بحران‌های عملی پیش‌آمده از جانب آزادسازی، دیجیتالیسم و فناوری دچار تغییر و تطوراتی شد و به سمت دولت توسعه‌گرای هوشمند گذار کرد. جی‌جی‌وو ویژگی‌هایی که برای چنین دولتی قائل است همان ویژگی‌های دولت توسعه‌گرای لفت‌ویچ است که رنگ و بوی فناوری و

دیجیتالیسم به خود گرفته‌اند. دولت توسعه‌گرای هوشمند نسخه کاملاً جدا از مدل کلاسیک نیست. بلکه نسخه به‌روزرسانی شده آن است.

دولت توسعه‌گرای کلاسیک هنگ‌کنگ در مواجهه با بحران مالی آسیا ۱۹۹۷ و بحران جهانی ۲۰۰۸ و نیز دیجیتالیسم اقتصادی و نسل جدید فناوری‌ها در قرن بیست و یکم با هدایت و نقش‌آفرینی دولت اجرایی توانست طرح بزرگ شهر هوشمند را اتخاذ و اجرایی کند که این طرح باعث تغییراتی در ویژگی‌های مدل کلاسیک شده است که به‌اختصار در جدول ۴ آمده است:

مشروعیت عملکردی	جامعه مدنی	مدیریت منافع بخش خصوصی	استقلال نسبی	سازمان راهبری	نخبگان توسعه‌گرا
عقلانیت اقتصادی و فنی	مشارکت مدنی با ابزار دیجیتال و فناوری	تنوع بیشتر در شرکت‌ها، رابطه نامتقارن	بیشتر از استقلال، به‌سوی نهادینه شدن پیش رفته است.	سازمان‌های راهبری خاص شهر هوشمند	ادامه نخبگان دولتی قبلی و اضافه شدن شرکت‌های فناور

منبع: یافته‌های نگارنده

دولت اجرایی هنگ‌کنگ، کمیته تقریباً ۱۲۰۰ نفره انتخاب رئیس اجرایی و مجلس قانون‌گذاری همچنان بازیگر اصلی هستند اما با توجه به اهمیت روزافزون صنایع هوشمند و دیجیتال و نیز نقش نخبگان دیجیتال و شرکت‌های فناور بیرون دولت در شهر هوشمند، وزن و تأثیر نخبگان بخش خصوصی مرتبط با فناوری بسیار افزایش پیدا کرده است. در متغیر سازمان راهبری، مدل هوشمند دولت توسعه‌گرا فاصله زیادی از مدل کلاسیک دارد. در مدل کلاسیک تکیه بر یک سازمان منفرد و متمرکز بود اما در

مدل هوشمند سازمان‌های راهبری غیرمتمرکز مانند OGCIO به‌وضوح مشاهده می‌شود. در متغیر منافع اقتصادی غیردولتی، ابزارهای هوشمند مانند پلتفرم‌های تحلیل داده و ارائه خدمات باعث نزدیکی منافع دولتی و تجاری شده‌اند اما شکل و جنس تعاملات عوض شده و بازیگران غیردولتی قدرتمندتر از مدل کلاسیک هستند. در متغیر جامعه مدنی ابزار دیجیتال هم ارائه خدمات را افزایش داده و هم کنترل دولت بر شهروندان را ارتقا داده است. در متغیر استقلال نسبی دولت نیز بیان شد که ابزارهای دیجیتال هم تعامل شهروندان را افزایش داده و هم ابزار قدرتمندی در دست دولت است برای کنترل جامعه مدنی. پلتفرم‌های جدید که دولت بر آن‌ها مالکیت داشته و روابط بالا به پایین در آن‌ها حاکم است این امکان را به دولت می‌دهد که استقلال بالا و نه انفصال مطلق از جامعه داشته باشد. دولت در مدل جدید بیشتر از استقلال، به‌سوی نهادهای شدن پیش رفته است. در رابطه با متغیر مشروعیت اجرایی هیچ تفاوتی بین مدل‌های کلاسیک و هوشمند دولت توسعه‌گرا وجود ندارد و فقط ابزارهای تحقق عوض شده‌اند؛ به طوری که دولت توسعه‌گرای هوشمند از طریق ابزار فناوری به ارتقای اقتصادی و رفاه کمک کرده، تولید ثروت بالا از طریق تکنولوژی و دیجیتالیسم ایجاد شده و از این طریق مشروعیت اجرایی کسب می‌کند.

تعارض منافع: این مقاله مشمول هیچ‌گونه تعارض منافع نیست.

اصول اخلاقی: نویسندگان مقاله، تمام مسائل اخلاق در پژوهش را که شامل پرهیز از سرقت ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک‌بار مقاله، تکرار پژوهش‌های دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شوندگان است، رعایت کرده‌اند. تالیف این مقاله به هوش مصنوعی داده نشده است.

منابع

- لفت‌ویچ، آدریان (۱۴۰۰). *دولت‌های توسعه‌گرا؛ پیرامون اهمیت سیاست در توسعه*، ترجمه جواد افشار کهن، تهران: نشر پبله.
- هایامی، یوجیرو (۱۳۹۴). *اقتصاد توسعه؛ فقر و ثروت ملل*، ترجمه غلامرضا آزاد، تهران، نی.

References

- Chang, H.J. (2002). *Kicking away the ladder: Development strategy in historical perspective*. Anthem Press.
- Basu, M. (2017). *Exclusive: Hong Kong's vision for Artificial Intelligence*. GovInsider.
- Batty, M. (2013). Big data, smart cities and city planning. *Dialogues in Human Geography*, 3(3), 274–279.
- Block, F. and Negoita, M. (2016) Beyond Embedded Autonomy: Conceptualizing the Work of Developmental States. In: Y. Chu, ed. *The Asian Developmental State: Reexaminations and New Departures*. New York, N.Y.: Palgrave Macmillan, 57–72.
- Cheung, A. B. L (2008). The story of two administrative states: state capacity in Hong Kong and Singapore. *The Pacific Review*, 21(2), 121–145.
- Calder, K. E. (2016). *Singapore: Smart City, Smart State*. Washington, D.C.: Brookings Institution Press.
- Carroll, T., and Jarvis, D. S. L. (2017). *Asia after the Developmental State: Disembedding Autonomy*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Cheung, T. (2017) 'Beijing will take action if city fails to enact national security law' [online]. South China Morning Post. Available from: <http://www.scmp.com/news/hongkong/politics/article/2120319/beijing-will-take-action-if-hong-kong-fails-enact-national> [Accessed 17 Nov 2017].
- CountryEconomy (2025). Reports and data related to the Hong Kong economy. Available from: <https://countryeconomy.com/gdp/hong-kong>.
- Commerce and Economic Development Bureau (2011a). Commerce and Economic Development Bureau – Mission

- [online].Government of the Hong Kong Special Administrative Region.Available from: <http://www.cedb.gov.hk/about/mission.htm> [Accessed 18 Oct 2017].
- Commerce and Economic Development Bureau (2011.b). Commerce and Economic Development Bureau – Home [online].Government of the Hong Kong Special Administrative Region.Available from: <http://www.cedb.gov.hk/about/index.htm> [Accessed 18 Oct 2017].
- Commerce, Industry and Tourism Branch (2016). Policy Initiatives of Commerce, Industry and Tourism Branch.Hong Kong: Government of the Hong Kong Special Administrative Region.
- Communications and Creative Industries Branch (2017). Policy Initiatives of Communications and Creative Industries Branch.Hong Kong: Government of the Hong Kong Special Administrative Region.
- Dawes, S. S. (2008). The Evolution and Continuing Challenges of E-Governance.*Public Administration Review*, 68, 86–102.
- eGov Innovation (2013). Hong Kong opens 2014 Digital 21 Strategy for public consultation [online]. Enterprise Innovation | Asia’s Premier Business and Technology Publication.Available from: <https://www.enterpriseinnovation.net/article/hong-kong-opens-2014-digital-21-strategy-public-consultation-108719266> [Accessed 26 Dec 2017].
- Financial Services and the Treasury Bureau (2013). Financial Services and the Treasury Bureau: Home [online]. Government of the Hong Kong Special Administrative Region.Available from: <http://www.fstb.gov.hk/en/index.htm> [Accessed 19 Oct 2017].
- Gainsborough, M. (2009). The (Neglected) Statist Bias and the Developmental State: the case of Singapore and Vietnam.*Third World Quarterly*, 30(7), 1317–1328.
- Goodspeed, R. (2015). Smart cities: moving beyond urban cybernetics to tackle wicked problems. *Cambridge Journal of Regions, Economy and Society*, 8(1), 79–92.
- Goodstadt, L. F. (2000). China and the Selection of Hong Kong’s Post- Colonial Political Elite. *The China Quarterly*, 163, 721–741.
- Government of Hong Kong Special Administrative Region (2017a). Digital 21 Strategy [online].Government of the Hong Kong Special Administrative Region.Available from: <http://www.digital21.gov.hk/eng/#> [Accessed 26 Dec 2017].

- Government of Hong Kong(2024)
<https://www.info.gov.hk/gia/general/202411/14/P2024111400313.htm>.
- Ho, E. (2016). Smart subjects for a Smart Nation? Governing (smart)mentalities in Singapore. *Urban Studies*,0042098016664305.
- Hollands, R. G. (2008). Will the real smart city please stand up? *City*,12(3),303–320.
- Hong Kong Development Bureau (2017). Smart City – Kowloon East [online]. Smart City Kowloon East.Available from: <http://www.smartke.hk/eng/smartke.php> [Accessed 28 Dec 2017].
- Humanresourcesonline (2025)
<https://www.humanresourcesonline.net/2025-smart-city-rankings-hong-kong-ranks-8th-globally-outperforming-singapore>.
- Hayami, Y. (2015). *Development Economics: Poverty and Wealth of Nations*, translated by Gholamreza Azad, Tehran, Ney. [In Persian]
- Hsu, J. (2017). *State transformation and the evolution of economic nationalism in the East Asian developmental state: the Taiwanese semiconductor industry as case study*. Transactions of the Institute of British Geographers,1–13.
- Johnson, C. A. (1982). *MITI and the Japanese Miracle: The Growth of Industrial Policy,1925–1975*.1st ed.Stanford, California: Stanford University Press.
- Kim, Y.T. (1999). Neoliberalism and the decline of the developmental state. *Journal of Contemporary Asia*, 29(4), 441- 461.
- Koh, D. (2019). Chief Secretary Matthew Cheung outlines Hong Kong's Smart City development plans | OpenGovAsia [online].OPENGOV.Available from: <https://www.opengovasia.com/articles/7686-chiefsecretary-matthew-cheung-outlines-hong-kongs-smart-citydevelopment-plans> [Accessed 25 Dec 2017].
- Lau, S.and Liu, Z. (1984). *Society and Politics in Hong Kong*.Chinese University Press.
- Leftwich, A. (1995). Bringing politics back in: Towards a model of the developmental state. *Journal of Development Studies*, 31(3), 400–427.

- Leftwich, A. (2021). *Developmental States: On the Importance of Politics in Development*, Translated by Javad Afshar Kohan, Tehran: Pile Publishing. [In Persian]
- Low, L. (2001a). The Singapore developmental state in the new economy and polity. *The Pacific Review*, 14(3), 411–441.
- Ma, N. (2007). *Political Development in Hong Kong: State, Political Society, and Civil Society*. Hong Kong: Hong Kong University Press.
- Ma, N. (2008). Civil Society and Democratization in Hong Kong: Paradox and Duality. *Taiwan Journal of Democracy*, 4(2), 155–175.
- MacCarthaigh, M., et al. (2016). Managing for Legitimacy: Agency Governance in Its ‘Deep’ Constitutional Context. *Public Administration Review*, 76(3), 496–506.
- Mann, L. and Berry, M. (2016). Understanding the Political Motivations That Shape Rwanda’s Emergent Developmental State. *New Political Economy*, 21(1), 119–144.
- Meijer, A. and Bolívar, M. P. R. (2016). Governing the smart city: a review of the literature on smart urban governance. *International Review of Administrative Sciences*, 82(2), 392–408.
- Menon, R. (2015). A Smart Financial Centre.
- Ngok, M. (2011). Value Changes and Legitimacy Crisis in Postindustrial Hong Kong. *Asian Survey*, 51(4), 683–712.
- Ngok, M. (2016). The Making of a Corporatist State in Hong Kong: The Road to Sectoral Intervention. *Journal of Contemporary Asia*, 46(2), 247–266.
- Office of the Government Chief Information Officer (2014). Digital 21 Strategy – Public Consultation and Submissions [online]. Government of the Hong Kong Special Administrative Region. Available from: <http://www.digital21.gov.hk/eng/relatedDoc/submissions2013.htm> [Accessed 12 Jan 2018].
- Office of the Government Chief Information Officer (2016a). Smart Hong Kong [online]. Government of the Hong Kong Special Administrative Region. Available from: <https://www.smartcity.gov.hk/> [Accessed 3 Dec 2017].
- Office of the Government Chief Information Officer (2016b). The Smart City Blueprint for Hong Kong. Hong Kong: Government of the Hong Kong Special Administrative Region.

- Office of the Government Chief Information Officer (2017). OGCIO: About Us [online]. Government of the Hong Kong Special Administrative Region. Available from: https://www.ogcio.gov.hk/en/about_us/ [Accessed 26 Dec 2017].
- Painter, M. (2005). Transforming the Administrative State: Reform in Hong Kong and the Future of the Developmental State. *Public Administration Review*, 65(3), 335–346.
- Pollitt, C. and Bouckaert, G. (2011). *Public Management Reform: A Comparative Analysis – New Public Management, Governance, and the Neo-Weberian State*. 3rd ed. Oxford; New York: Oxford University Press.
- Reporters Without Borders (2017). 2017 World Press Freedom Index. Paris, France: Reporters Without Borders.
- Statista (2024). Data related to the Iranian economy. Available from: <https://www.statista.com/statistics/294233/iran-gross-domestic-product-gdp/>
- Terekhova, M. (2017). Here's why Chinese tech giants are choosing to list in Hong Kong [online]. Business Insider. Available from: <http://www.businessinsider.com/heres-why-chinese-tech-giants-are-choosing-to-list-in-hong-kong-2017-12> [Accessed 5 Jan 2018].
- The Economist (2017). How Hong Kong picks its chief executives [online]. The Economist. Available from: <https://www.economist.com/blogs/economistexplains/2017/03/economist-explains-19> [Accessed 9 June 2017].
- Wade, R. (1990). *Governing the Market: Economic Theory and the Role of Government in East Asian Industrialization*. New Jersey: Princeton University Press.
- West, D. M. (2004). E-Government and the Transformation of Service Delivery and Citizen Attitudes. *Public Administration Review*, 64(1), 15–27.
- Wong, C. (2016). What Exactly Is Hong Kong's Legislative Council? [online]. The Diplomat. Available from: <https://thediplomat.com/2016/09/what-exactly-is-hongkong-s-legislative-council/> [Accessed 6 Nov 2017].
- Wong, M.Y.H (2017). *Comparative Hong Kong Politics*. Singapore: Palgrave.

- Wong, Y.C. and Chan, J. K. H. (2017). Civil disobedience movements in Hong Kong: a civil society perspective. *Asian Education and Development Studies*, 6(4), 312–332.
- Woo, J. J. (2015a). Beyond the Neoliberal orthodoxy: Alternative financial policy regimes in Asia's financial centre. *Critical Policy Studies*, 9(3), 297–316.
- Woo, J. J. (2015b). Policy Relations and Policy Subsystems: Financial policy in Hong Kong and Singapore. *International Journal of Public Administration*, 38(8), 553–561.
- Woo, J. J. (2016a). *Business and Politics in Asia's Key Financial Centre – Hong Kong, Singapore and Shanghai*. 1st ed. Singapore: Springer.
- Woo, J. J. (2018). *The Evolution of the Asian Developmental State: Hong Kong and Singapore*. London and New York: Routledge.
- World Bank (2024). GDP per capita (current US\$).
- World Bank Group (2017) Doing Business 2017: Equal Opportunity for All. Washington, D.C.: World Bank.
- World Bank (2024) GDP per capita (current US\$).
- Yeung, H.W. (2016). *Strategic Coupling: East Asian Industrial Transformation in the New Global Economy*. Ithaca, N.Y.: Cornell University Press.
- Yeung, H.W. (2017). State-led development reconsidered: the political economy of state transformation in East Asia since the 1990s. *Cambridge Journal of Regions, Economy and Society*, 10(1), 83–98.
- Yeung, R. and Singh (2017). Why Singapore is a much smarter city than Hong Kong. *South China Morning Post*, 8 Nov.
- Yiu, E. and Zhang, S. (2017). New economy stocks hog the limelight in the age of technology. *South China Morning Post*, 30 Dec.